

شناخت نامه جواد مجابی

(آسیه جوادی (ناستین)



فرهنگ معاصر
انتشارات

تهران ۱۳۹۹

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: جوادی، آسیه، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: شناخت‌نامه جواد مجابی / آسیه جوادی (ناستین).
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۶۶۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: مجابی، جواد، ۱۳۱۸ - نقد و تفسیر.
موضوع: نویسندگان ایرانی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر.
موضوع: Authors, Iranian--20th century--Criticism and interpretation
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ی۸۳ ج۲۲/ PIR ۸۲۰۳
رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۸۶۶۶۲

ISBN: 978-600-105-154-8

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۵-۱۵۴-۸



فرهنگ معاصر

تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، شماره ۲۸، پست. ۱۴۱۶۸۶۴

تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲ ؛ واحد فروش: ۶۶۹۷۳۳۵۲ ؛ فکس: ۶۶۴۳۷۰۱۸

E-mail: farhangmoaserpub@gmail.com / Website: www.farhangmoaser.com

شناخت‌نامه جواد مجابی

آسیه جوادی (ناستین)

صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۹ / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این اثر اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری به صورت‌های
مختلف از قبیل PDF، Online و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً،
ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

فهرست

۱	ویرانه پیرایه
۳	انگیزه و پیاس
۵	سال شمار
۱۷	به عنوان مقدمه و در جستار
۲۵	۱. فصلی در نتوانسن
۳۷	۲. دیگر میوه‌ها شده بسته انگور
۵۵	۳. درخت نام‌ها و بشانه‌ها
۶۱	۴. انزوای ابلسی
۸۳	۵. سطرهایی از کتاب زندگی‌نامه
۹۳	۶. این نه‌همانی و بینش طنزآمیز
۱۱۱	طنز
۱۱۵	یادداشت‌های آدم پرمدها
۱۱۸	خطرات فن شریف جانورشناسی
۱۲۲	یادداشت‌های جد بزرگوار
۱۲۵	روزنامه هرات و دیگر شهرها
۱۴۶	برای بار دوم
۱۴۸	پس از وزن‌کشی
۱۵۰	طراحی
۱۵۶	طرح جدی
۱۶۱	طرح هجایی
۱۶۷	نقاشی‌ها
۱۷۹	شعر
۱۸۴	به سپیده‌دم انگشتانش
۱۸۵	در هوای گفتگویی گرم
۱۸۶	کدبانو
۱۸۷	شوق سرودن مرثیه تا بادیادکی شود
۱۹۲	نی‌زار زرین

۱۹۳	شعرهای اصفهان
۱۹۶	بر بام بم
۱۹۸	ظریف و زرد
۱۹۹	به تماشاگاه اعماق
۲۰۲	آبی رنگات
۲۰۴	پوپک ۱
۲۰۵	از خواب
۲۰۶	در هوا
۲۰۷	نغمه‌ای
۲۱۴	یکشنبه‌بازار «کمدن»
۲۱۷	نمونهٔ پلادی ۱۳۱
۲۱۹	زاد، رت
۲۲۱	تویوله‌ار، رت و ساورز
۲۲۲	هتل خلوت
۲۲۳	قصیدهٔ سی سنگان
۲۲۷	داستان کودکان
۲۳۰	خانه‌ام دریاست
۲۴۱	داستان کوتاه
۲۴۵	در خلوت جازموری
۲۵۵	ابلق
۲۶۲	یک‌بار، باز هم
۲۶۹	رمان
۲۷۳	فصلی از رمان «برج‌های خاموشی»
۲۸۲	فصلی از رمان «شهربندان»
۳۰۴	فصلی از رمان «مومیایی»
۳۱۶	فصلی از رمان «شب ملخ»
۳۳۶	فصلی از رمان «عبور از باغ قرمز»
۳۴۹	فصلی از رمان «باغ گمشده»
۳۷۷	فصلی از رمان «ج»
۳۸۵	فصلی از رمان «لطفاً درب را ببندید»
۳۹۹	مقالات
۴۰۳	یادداشت سردبیر (شادزی)
۴۱۲	یک نگاه دیگر
۴۱۹	سفرنامه
۴۲۳	رهایی از مشغلهٔ زمستان (ای قوم به حج رفته)

۴۴۳	تحقیق
۴۴۵	شوخی و دیوانگی
۴۵۸	جهان پیکاسویی
۴۶۹	نمایشنامه
۴۷۲	تکهای از «شیخ سدوم»
۴۸۱	فیلمنامه
۴۸۵	تکهای از سناریو «یکی و آن دیگری»
۵۰۷	سخنرانی
۵۱۱	سیرت‌شناسی ادبیات جهان سوم
۵۱۹	نقد و رهای تجسمی
۵۲۳	صوت و سیما آثار اردشیر
۵۳۷	تکمله
۵۴۱	فرزندان جهان سوم
۵۴۷	از نگاه دیگران
۵۵۰	نیشخند ایرانی (م. ع. سیانلو)
۵۵۴	«زوبین»های جواد مجابی (پرویز تنیسی)
۵۵۹	فی الواقع، دست راست گریه زیر سرش! (امید شالمو)
۵۷۰	شاعر در آینه شعرهایش (کاظم سادات‌اشک)
۵۸۱	آقای دوزنقه
۵۸۳	و اینک من آنان بودم (ملیحه تیره‌گل)
۵۹۲	ساعتی با منظومه «بر بام بم» (سیمین بهبهانی)
۶۰۱	مومیایی زنده در آیین مردگانی خویش
۶۱۱	نامه‌ها
۶۱۳	ناستین عزیز
۶۱۷	پویک عزیزم
۶۲۰	به سردبیر
۶۲۱	کتابشناسی

به عنوان مقدمه و کمی بیشتر

اواخر دهه شصت بود که فکر تهیه «شناخت‌نامه»ها مطرح شد. انگیزه پدید آمدن چنین مجموعه‌ای این بود که یک دهه از گسست اجباری روابط نسل نو با کوشندگان فرهنگی دوره پیشین می‌گذشت و فضای نفس‌بریده ادبی در نوعی بی‌خبری غرقه بود. روشنفکران نسل پیشین به علت انزوای ناگزیر و خانه‌نشینی، غالباً از حال و روز هم‌دوره‌ای بی‌خبر بودند، مطبوعات مستقل و کانون‌های ادبی تعطیل شده بود و پاتوق‌های ادبی برچیده شده و جا به چلوکبابی و بانک داده بود. پاره‌ای از نویسندگان و شعرا در جمع‌های کوچک خانگی به بهانه بررسی شعر و داستان گرد می‌آمدند و از حال و روز هم‌دوره‌ای خبر می‌شدند و اگر مجالی پیدا می‌شد، گاه در نشریه‌ای مهجور، به سیوا و دما رایگانی قلم می‌زدند تا کی به اشاره‌ای غیبی در آن بسته شود. گلشیری و دوستان با یاران روز پنجشنبه در دیدار هفتگی به داستان و نقد آن می‌پرداختند. لاسی و دهباشی با دوستان چهارشنبه که جمعی انبوه بودند به بحث ادبی و شعر و ادبیات اهتمام داشتند و جمع یاران سه‌شنبه، که عبارت بودند از محمد محمدعلی، اسحاق‌الله، عمران صلاحی، محمد مختاری، کاظم سادات اشکوری، غلامحسین نصیری پور، عظیم خلیلی، جواد مجابی، فرامرز سلیمانی، احمد محیط و یک دو نفر دیگر به نقد و بررسی شعر و داستان و طرح مباحث فرهنگی معاصر می‌کوشیدند. این جمع بعدها در فرصتی کوتاه اما مغتنم، رخت به مجله دنیای سخن و تکاپو کشید و عرصه فعالیت را فراخ‌تر کرد. مخاطبان آشنای آنها بعدها دیده بودند که چگونه کتاب‌ها و آثار آفرینشگران و پژوهشگران نسل دوم ادبیات معاصر، به سیاستی یک‌شبه از کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها غیب شده بود. در برابر این غیبت ناگهانی شاهد حضور برانگیخته قلم‌بدستان جدیدی در صحنه بودند که وجهه همت تنی چند از آنان مخدوش کردن چهره‌ها و نام‌های شناخته دهه چهل و پنجاه بود تا

نام‌ها و چهره‌هایی برای دهه شصت و هفتاد تدارک و جایگزین کنند.

یک روز مجابی در محفل «یاران سه‌شنبه» این قضیه را مطرح کرد که جوانان به علت در دسترس نبودن کتاب‌ها و نشریات دوره پیشین و منتشر نشدن آثار کسانی که اکنون به بلوغ فکری و فرهنگی رسیده بودند، آگاهی کمی نسبت به نویسندگان و شعرای معاصر دارند. بسیاری از علاقه‌مندان ادبیات فکر می‌کنند که نویسندگان نسل پیش یا در مهاجرت و آوارگی‌اند یا اندکی مرده‌اند و از بعضی از آنها که مانده‌اند خبری و شایعه‌ای می‌شنوند که جنبه حذف و هتاک‌ی در آن بیشتر است، چون از قول نشریات دوقلویی صادر می‌شود که، حذف نام و نشان روشنفکران «سابق» را هدف گرفته است. می‌توانیم با نوشتن مقالات و تدارک کتاب‌هایی که جنبه تحقیق دارد، اطلاعات درست و واقعی به مخاطبان هنر بدهیم.

در این منظور، مجابی با مدیران «نشر قطره» رایزنی کرد. مختاری آن موقع با این نشر، عنوان «ویراستار همکاری می‌کرد. ناشر با طرح تهیه شناخت‌نامه‌ها با هدف شناسایی فرهنگ‌سازان معاصر موافقت داشت. شناخت‌نامه‌ها با این انگیزه تهیه می‌شد که اولاً به مخاطبان فرهنگی جامع‌الاطراف امروز ایران بپردازد، که در یک زمینه شهروند، با صاحب‌ها، دیگر فعالیت فرهنگی آنان در سایه مانده است. مثل احمد شاملو، که شعر و ترجمه‌هایش، برای نسل نو شناخته و گرامی بود. اما چهل سال روزنامه‌نگاری و یک دهه فیلم‌نامه‌نویسی و یک عمر کتاب‌کوچه‌اش در سایه شهرت شعری‌اش (رایج بر دهه ۱۳۵۰ زمان!) کمتر مورد توجه و شناسایی بود و می‌باید هنرمند در تمامی ابعاد کوشش‌های فرهنگی‌اش مطرح شود. یا غلامحسین ساعدی که پس از رفتنش از ایران انگار از حافظه معاصران نیز سفر کرده بود. لازم بود نه تنها با نمایشنامه‌ها و داستان‌های خوشانش بلکه با چهار دهه فعالیت اجتماعی - فرهنگی متنوعش بازشناسی شود که اطلاعات مربوط به زندگی و آثارش بتواند چهره سختکوش و صمیمی او را به نسل نوآمده بهتر بنمایاند. هدف این نبود که نوعی ادبیات و بخشی از فعالیت ویژه فرهنگی یا چند چهره شاخص ادبی معرفی شود. بلکه این کار نوعی ادای دین و ارج‌گزاری به تمامی فعالان فرهنگ معاصر بود که با طرح چند نمونه آغاز می‌شد و می‌توانست توسط کوشندگان ادبی و مؤلفان دیگر به جریانی گسترده تبدیل شود چنان‌که بعدها این‌طور هم شد. تألیف شناخت‌نامه‌های گوناگون

با نام‌های دیگر توسط مؤلفان و ناشران دیگر موجی گسترده در فضای راکد پدید آورد که سنت نوشتن یادنامه‌های اغراق‌آمیز توسط میراث‌خواران دربارهٔ مردگان تا حدی جای خود را داد به کتاب‌هایی که در طیفی گوناگون معطوف به چندوچون آثار و زندگی مشاهیر ادبی موجود بود.

کار ادبیات اصولاً مبارزه با فراموشی و زوال است. به یاد آوردن آن‌چه در ذهن آفرینشکار آدمی می‌گذرد و انتقال آن به ذهن دیگران تا انسانیت و فرهنگ پیشتاز فراموش نشود. جهان مهرآمیز انسانی در سیطرهٔ ابتذال روزمرگی، فرسایش و زوال بیابا ما دائم باید به یاد خود و دیگران بیاوریم که ذهن‌های کوشا و خلاق یک فرهنگ چه می‌تواند به ما هدایت دهد تا استمرار تفکر و خیال آدمی دچار وقفه‌های عمدی نگردد نه به درد هیچ فرد و جمع و جامعه‌ای نیست. وقتی نوشته‌ها و کارهای معاصران اصلاً یک فرهنگ و یک ملت در دسترس نباشد، نسل بعدی از کجا بداند که هدایت تاریک و گمراه‌کننده برای قصه‌نویسی و رمان این مملکت چه کار کرده‌اند و همان بلایی که بر جهانزاده و بزرگ علوی آمده بود که به علت دوری از ایران، هم خودشان از مردم دور شدند و هم مردم با کارهای آنان بیگانه مانده بودند، حالا سر نویسندگان بی‌امد که به هر دلیل دور از وطن مانده بودند چه مانند تقی مدرسی و کیانوش و فرسی و نادرپور خود به سفر رفته باشند یا کسانی چون ساعدی و خویی و معروفی با سیطرهٔ از سفر ناگزیر بوده باشند. البته کسانی که در وطن مانده بودند و می‌نوشتند و کارشان چاپ نمی‌شد در تحت این مهجوری کم از مهاجران نبودند. ملت فرزندان فرهنگ‌ساز خود را فراموش نمی‌کند، اما وظیفهٔ ما یادآوری هم هست.

انگیزهٔ دوم تدارک شناخت‌نامه، پدیدآوردن نوعی کتاب «میلادی» بود. کتابی که نه در سطح یک کار ژورنالیستی عامیانه باشد، نه ادعای یک نقد تحلیلی دقیق را به عهده بگیرد، بلکه با زبانی ساده و ترکیبی همه‌جانبه بتواند آگاهی‌های دقیق و اولیه از کار هنرمند به مخاطب بدهد و اطلاعات کافی برای بررسی دقیق‌تر زندگی و آثار یک آفرینشگر فراهم آورد. درواقع شناخت‌نامه می‌خواست کتابی باشد که تا حد مقدور اطلاعات بیوگرافیک از هنرمند به دست دهد، در عین حال ساحت‌های گوناگون کار وی را با ارائهٔ بررسی‌های کوتاه و نمونه‌های شاخص آثار وی در همان زمینه، نشان دهد که مرجعی برای شناخت

کلی هنرمند بشود. درواقع نوعی کتاب راهنما و کلی که می‌تواند انگیزه تحقیقات فنی کارشناسان شود.

طرح اولیه این شناخت‌نامه‌ها که در اواخر دهه شصت آغاز شد، شامل پنج کتاب بود که مجابی تهیه چهار کتاب آن را درباره شاملو و ساعدی و دولت‌آبادی و سپانلو به عهده گرفت و قرار شد که من پنجمین شناخت‌نامه را درباره آثار خود او تهیه کنم و قرار بود این نوع کتاب‌های روشنگر زندگی و آثار معاصران همچنان ادامه داشته باشد. از این سری، شناخت‌نامه شاملو پس از پنج سال کوشش مؤلف و چند سال توقف در ادارات مربوط، عاقبت در سال ۷۷ روی انتشار دید و خوشبختانه هنوز شاعر زنده بود تا شاهد ارج‌گزاری معاصرانش باشد. شناخت‌نامه ساعدی نیز با همین سیر دشوار و نومیدکننده از هفت‌خان رسد گذشت. حتی کمتر به رغبتی به تکمیل کتاب مربوط به خود نشان نداد.

شناخت‌نامه مجابی به این دلیل که او در زمینه‌های متعدد هنری و ادبی فعالیت داشته است می‌توانست مطالب باشد برای کسانی که او را به عنوان شاعر و نویسنده و منتقد می‌شناختند، شاید همه نمی‌دانستند که او تقریباً در تمامی عمرش از پنج، شش سالگی تا سال تقاشی و طراحی کرده است و هنوز هم بهترین کار - تفریح او نقاشی است. یا خیر نداشتند او بیش از سی سال است به گالری‌های نقاشی و به آتلیه‌های نقاشی و مجسمه‌سازان و معماران رفت‌وآمد مدام دارد و تاریخ نقاشی مدرن ایران را در هفت مبلد زنده و برده مجموعه از آثار ناموران هنرهای تجسمی ایران مقدمه‌های بحث‌انگیز و از دهه چهل تاکنون در مطبوعات صدها مقاله و یادداشت در مورد هنرهای تجسمی قلمی کرده است. و یا مجموعه نمایشنامه‌های اجرا نشده و فیلمنامه‌های رد شده‌اش حجمی درخور اعتنا دارد. یازده سال کار حرفه‌ای در روزنامه اطلاعات بخشی از چهار دهه فعالیت روزنامه‌نگاری او در مطبوعات ایران بوده است. چهره او به عنوان محقق ادبی هنوز روشن نشده است، مگر تاریخ طنز ادبی او منتشر شود که سال‌ها عمر صرفش کرده و به خاطر مستندبودن آن یک‌بار تمامی کتاب‌های معتبر نظم و نثر تاریخ ادبیات ایران را به دقت کاویده است. سعی کرده‌ام که نمونه‌هایی کوتاه از کوشش‌های ادبی و هنری‌اش را در این مختصر بیاورم.